

خطاب به رئیس قوه قضائیه هر که از این رنجامه نمیرد...

اسماعیل گرامی مقدم

هفته گذشته مصادف بودن با بزرگداشت دستگاه قضایی و برپایی این تکریم از دستگاه قضاء در شهر مقدس مشهد با حضور مقامات ارشد نظام و از جمله مقام رهبری برگزار شد، جنابعالی در طول سخنرانی خود در دفاع از دستگاه قضایی بویژه در مقابل انتقادات رئیس دولت دهم که خود به بزرگترین قانون شکنی متهم است، تلاش نمودید اثبات کنید که دستگاه قضایی در برقراری عدالت از استقلال برخوردار است و در راستای موازین اسلامی و دستورات الهی بدنبال برپایی عدالت است. هر کسی وقتی این سخنان شما را بشنود و از وضعیت دادرسی در دادگاههای سیاسی و از وضعیت زندانهای تحت پوشش دستگاههای امنیتی خبری نداشته باشد! حتما تصورش این است این دستگاه قضایی در راستای حکومت پنج ساله امام علی (ع) حرکت کرده است! اما اگر داور بی طرفی بخواهد دفاعیات شما را در استقلال دستگاه قضا بطور مصداقی تک به تک با پرونده های زندانیان سیاسی مقایسه نماید، آنگاه نه تنها دستگاه قضایی متبوع شما را در راستای موازین اسلامی نخواهد دانست بلکه این دستگاه در مقابل تمامی شیوه های عملی و تجربه شده دوران امام علی (ع) خواهد پنداشت. یکی از مشهورترین خطبه های امام علی (ع) درباره ربودن خلیخال از پای زن یهودی در دوران خلافت حضرت علی که می فرماید: اگر مسلمانی از این غم بمیرد بر او عیبی نیست. سوگند به سوگندهای علی (ع) اگر این امام همام در این دوره می زیست، این خطبه را این گونه می خواند که هر کسی رنج نامه نه یک زن یهودی را بلکه رنج نامه بانوی مسلمان ایرانی یعنی نرگس محمدی را بخواند یا بشنود و از شدت غم و غصه بمیرد بر او عیب نیست. سوال من از جنابعالی این است؛ اینکه که شما به تمسک قدرت حاکمیت، برجسب ناچسب جرم امنیتی را به فعالان سیاسی دریند جسدانیده اید! و اگر همین اتهام امنیتی را برای نرگس محمدی فرض قبول بدانیم! او مرتکب کدامین عمل مجرمانه شده است که امنیت یک کشور را به خطر انداخته است؟ او فرمانده کدام لشکر، تیپ یا گردان نظامی بوده است و اقدام مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی به راه انداخته است! که او را زندانبانان اینچنین بی رحمانه مورد شکنجه و آزار قرار می دهند؟ آیا معنی و مفهوم اینگونه رفتار ظالمانه با یک بانویی که فقط جرمش انتقاد به نحوه برخورد حکومت با مسئله حقوق بشر است، آنقدر خطرناک و هولناک برای یک نظام سیاسی است و این نظام سیاسی قادر به ارائه استدلال و منطق در مقابل این زن نمی باشد! و تنها چاره اش داغ و درفش است؟! و آنگاه جنابعالی به هزاران رزمنده دوران دفاع مقدس، همچون منی که افتخار داشتیم از کین کشور و جمهوری اسلامی در برابر دشمنان دفاع کنیم، امروز به ما حق نخواهد داد که پیشمان شویم از اینکه برای دفاع از حکومتی سلاح بر دست گرفتیم که از یک بانوی مسلمان در هراس است؟

جناب آقای لاریجانی! مگر نه این است که شما مدعی هستید این زندانیان سیاسی جرمشان امنیتی است و به خطر انداختن امنیت یک کشور پرواضح است که جرم سنگینی است؟ پس چرا این جرم سنگین که بایستی طی دادگاه طولانی و متوالی و با حضور هیئت منصفه و وکیل مدافع برگزار شود، ظرف پنج دقیقه دادگاه های این عزیزان انجام می شود که حتی فرصت نشستن بر روی صندلی به متهم داده نمی شود تا چه رسد به فرصت دفاع از خود؟! وقتی که فقط در پنج دقیقه تشریفات انشاء حکم انجام می شود، چگونه باور کنیم که این احکام حاصل یک دادگاه عادلانه است و حاصل دستورالعمل های بازجویان نیست. داماد محترم آیت الله العظمی وحید خراسانی! امروز گاهاً شاهدیم برخی از مسئولین سابق دستگاه قضایی در کسوت مرجع تقلید که در آن زمان هم سن و سال جنابعالی بودند، زبان به اعتراف از گناه و اشتباه گشوده اند و طلب حلالیت و بخشش از سوی ملت دارند. از این رو پیشنهاد می دهم در راستای گام برداشتن برای اثبات عدالت و استقلال قوه قضائیه به حرمت ماه مبارک رمضان از مقام رهبری درخواست آزادی همه زندانیان سیاسی را بفرمایند و بدایت آزادی زندانیان سیاسی نه تنها به امنیت کشور آسیب نمی رساند بلکه ضامن امنیت کشور در این شرایط سخت که با بحرانهای اقتصادی و تهدیدات خارجی مواجه است، خواهد بود.

سر مقاله

چه کسی مسوول این درد است؟

رنجامه نرگس محمدی از زندان: من یک مادرم



سخت بیمارم کرده است. با دستی می نویسم که به دلیل زمین خوردنم کیود است. اما باید از عشق گفت و نوشت. آن عشق عشق مادری است و آن درد درد دوری از فرزندان. می خواهم گوشه ای ازین رنج را برایتان بازگویم هرچند به پروردگار سوگند تاب گفتن ندارم.

در حالی که دختر سه ساله ام را از بیمارستان و پس از عمل سنگینی به خانه آورده بودم بازداشت شدم. مامورین بالای سرم ایستاده بودند. وقت خواب بچه ها بود. علی را روی پایم گذاشتم. شیشه ی شیرش را دادم و لالایی گفتم و خوابید. اما کیانا را نمی توانستم آرام کنم. هر بار آمدم از او دور شوم با صدای گریان و لرزان می گفتم: «مامان منو ببوس». باز می گفتم و می بوسیدم. پس از سه بار تکرار خواسته اش او را با هزار درد ترک کردم. من در زندان به بیماری سخت اعصاب و روان دچار شدم. زنی سالم بودم ولی با مصرف روزانه ۱۸ قرص و پس از ۱۲ روز بستری شدن در بیمارستان به زندگی با فرزندانم بازگشتم اما افسوس عمر بودن با فرزندانم کم بود. چه بگویم از لحظه ی جدا شدنم و از اشک های روان بر گونه ی طفلانم. این قلم می جنبد و جانم را می گیرد.

نوشتن برابم آسان نیست اما می گویم و می نویسم تا شاید دیگر برای هیچ طفلی تکرار نگردد من یک مادر دور از فرزندان و بیمارم و چنین از مادر موسی گفتم و از درد خود ناله کردم تا بگویم «قدرت عشق مادران برتر از هر قدرتی ست» منشا این قدرت عشق است و مهر مادری. محروم کردن کودکان ازین مهر و رنج دادن مادران از این هجر، گناه نابخشودنی ست و من با هزاران امید از چهاردیوار زندان این نامه نوشتم تا شاید به زودی زود و با لطف الهی در این کره ی خاکی این رنج پایان پذیرد.

قسمت می دهم، ترا به عشق خدیجه به فاطمه قسمت می دهم که لیخنه را بر لبان پیامبر نشانند و دل رنجیده اش را روشنی و گرمی بخشید، دستان را بر روی قلبم بگذار، قلبم را نگه دار، محکم، محکمتر و محکمتر.

آه قسم به آن لحظه که مادر موسی کلام الهی را شنید و فرزند را به رود سپرد اما رنج دوری فرزند را تاب نیاورد و خداوند با مهرش دلش را نگه داشت، اکنون و در این لحظه دست های خداوند را بر دور قلبم احساس می کنم، اما چه کنم من یک مادرم و آرام نمی شوم. با خود چون مریم می گویم ای کاش مرده بودم و اکنون فراموش شده بودم با خود می گویم نرگس صبر کن، برای خدا صبور باش، اما نمی شوم، باز برمی خیزم و با دست هایی که به سوی آسمان بلند کرده ام زار می زنم خداوند تو را به مادر موسی قسمت می دهم چگونه تدبیر کردی و موسی را به مادرش باز گرداندی، به آغوش آتش گرفته ی من بنگر. خدایا صدای ناله ام را بشنو، بین چه بی تاب باتو سخن می گویم. خدایا، بیا، بیا و در کنارم بنشین. آه من از عشق گفتم و اما با رنج و درد. رنجی که اکنون

زمانی رحم را خلق کردم گفتم: «تو رحمی و من رحمان و من از رحمانیت خود در تو نهادم. (روایتی از رسول اکرم) پشانی بر خاک می نهم. خدایا تو با من «مادر» چه کردی؟ تو چگونه من را خلق کردی؟ وقتی از رحمانیت خود در رحم مادر گذاشتی چه بر سر ما آوردی؟ صدای ناله هایم بلند شده، اشک هایم روانند، چشمانم دیگر نمی بینند. روی دیوار سلول نوشته ای را می خوانم «آه مادر یک ماه است که ندیدمت» دیوانه وار سرم را به دیوار سلول تکیه می دهم و به حق می افتم. خدایا با تو کار دارم نه با بندگانت. تو، من مادر را سرشار از عشق به فرزند آفریدی و به یک باره دو طفل به من بخشیدی. نه ماه در وجودم گذاشتی و در یک تن نفس کشیدیم. شب ها و روزها در آغوشم پروراندی و آن ها اکنون ۵ سال دارند، محتاج آغوش من، در حالی که حتی پدر نیز در کنارشان نیست و اکنون اینگونه آغوشم از جگر گوشه هایم خالی است و فرزندانم بدون پدر و مادر چراغ خانه ام را روشن نگه داشته اند. خدایا تو را به جان مادر موسی قسمت می دهم، ترا به رنج مریم و درد زایمان او

نرگس محمدی نایب رئیس کانون مدافعان حقوق بشر در رنجامه ای که در زندان زنجان نوشته است، ضمن شرح ماجرای بازداشت غیرقانونی خود، تنهایی های سلول انفرادی، رنج و غصه یک مادر از دوری دو فرزند خردسالش و بیماری جسمی خطرناکی که جاننش را به خطر انداخته نوشته است که با هم می خوانیم.

من یک فعال حقوق بشرم یعنی دردم و تلاشم جهت بهبود وضعیت انسانها در هر جای این کره ی خاکی است. سودای قدرت و کسب هیچ مستندی ندارم آنچه جسم ناتوانم را با آن همراه می کنم با نهادن در راهی است که لیخنه ی برب لب و عشقی در دل بنشانم.

این دل نوشته ی یک مادر است برای معنا کردن مادر و اینجا زندان است. چهاردیواری بلند و سخت. در میان چهار دیوار نشسته ام. سجاده عشق و نیایش گشوده ام. کلام الهی را محکم به سینه فشرده ام.

سوره ی قصص را می گشایم. غوغایی در درونم برپاست قصه مادر موسی معنا کردن مادر بودن است. به مادر موسی وحی کردیم که او را شیر بده و چون بر او ترسان شدی وی را به دریا بیافکن و ترس و محزون نباش که ما او را به تو باز می آوریم و او را از رسولان می گردانیم (قصص ۷) و مادر فرزندش را در سبلی گذاشت و روانه رود کرد.

این کلام وعده الهی است که بر یک مادر وحی می شود. برآستی مگر می شود نسبت به آن تردیدی در دل راه داد. دردی که حتی با وعده الهی التیام نمی یابد و آن درد مادر بودن است. حتی اگر فرزندان را به آغوش پر مهر و امنی نیز بسپاری اما آتش دل مادر را نمی توانی فرو بنشانی حتی اگر آن دامن پر مهر و امن، دامن الهی باشد. آه تردید ندارم که خداوند با خود چه اندیشید. با خود اندیشید آری من که خود

تعلل در اعزام به بیمارستان نرگس محمدی خانواده نرگس محمدی در ملاقات با وی متوجه شدند که وی برای چندمین بار در این مدت در دستشویی زندان زمین خورده که دست و صورتش سرخ و کبود شده

تعلل در اعزام به بیمارستان نرگس محمدی

است. بنا به دستور پزشک زندان و مجوز دادرسی زندان اوین قرار بود او روز چهارم تیرماه برای بستری شدن اعزام شود که به دلایل نامعلومی رییس زندان از بستری شدن او جلوگیری کرده است.

آیت الله بیات زنجان:

جدا کردن مادر از فرزند گناه کبیره است

دانست و ایجاد حائل و مانع بین مادران و فرزندان را غیر اخلاقی و گناه کبیره توصیف کرد. در سؤال مذکور به وضعیت سه زندانی سیاسی فعلی محمدصادق کیودوند نسرين ستوده و نرگس محمدی که شرایط بحرانی دارند، اشاره شده است.

آیت الله العظمی بیات زنجان در پاسخ به استفتایی درباره وضعیت برخی زندانیان سیاسی که از فرزندان خود دور نگه داشته شده اند، اصل حبس زنان و جدا کردن آنها از خانواده و همسر و به خصوص فرزندان را جز در موارد خاص و نادر، امری مبغوض و نامطلوب